

فقه اسلامی

من یرد الله به خیر ا یفقهه

فی الدین .

(حدیث شریف)

"کسی که خداوند به وی اراده خیر فرماید

او را در امور دین دانشمند می سازد"

رَبِّ اِشْرَحْ لِي صَدْرِي ○

وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ○ وَاخْلُلْ عُقْدَةً

مِنْ لِّسَانِي ○ يَفْقَهُوا قَوْلِي ○

(قرآن کریم)

"ای زما پروردگاره! زما سینه را پراخه کنه!

او زما امر (درسالت) راته آسان کنه! او زما

له ژبی خخه غوته پرانیزه! چي (خلک) زما په

خیرو (نبه) وپوهیږي"

می 2025

ذوالعقده / ذوالحجه 1446

شماره سه صد و سی و سوم

حاج تا مکه مکرمه و بازگشت از آن , و کلمه زاد عبارت از تمام مصارف اقامت و کرایه منزل و انتقالات در خلال مدت مسافرت به منظور ادای حج است.

احکام فقهی

سوم در باب حج

توانائی بزاد و راحله مشروط به آنست که قاصد حج تمام مصارف و احتیاجات اساسی فامیل خود را با مصارف ضروری مربوط به کار و بزنس و اسباب و لوازم زندگی خود و فامیلش تأمین نموده باشد و در مدت سفر تا عودت به منزل و آغاز دو باره زندگی به هیچ مشکل اقتصادی مواجه نگردد , زاد و راحله بمنظور حج به هیچصورت احتیاجات اساسی و مصارف ضروری زندگانی فامیلی و کار و بزنس وی را اخلال نکند , بل این زاد و راحله باید علاوه بر تمام آن مصارف و احتیاجات باشد , و نیز زاد و راحله باید زائد بر دیون و قروضی باشد که قاصد حج مکلف به تادیه آنست , یعنی شخص مدیون تا وقتی که دین ذمه خود را ادا نه نموده و یا دارائی کافی و آماده تادیه در مقابل دین نداشته باشد حج بروی فرض نیست و زاد و راحله حج باید اضافه از احتیاجات اصلی و اضافه از دیون باشد .

چنانکه در باب حج دین مانع سفر می گردد , در باب زکات نیز وجود دین بر ذمه شخص مانع وجوب

پروفسور دکتور عبدالستار سیرت جواب میدهد :

1 - کسیکه خانه خریده و قسط می پردازد حج کرده می تواند ؟

2 - از پول کمکی که ماهانه شخص می گیرد حج کرده می تواند ؟

1 - فریضه حج رکن پنجم اسلام در نصوص قرآن کریم و احادیث قولی و فعلی رسول اکرم صلی الله علیه وسلم ثابت گردیده , خداوند (عز و جل) در آیه کریمه (97) سورة آل عمران میفرماید : { و لله على الناس حج البيت من استطاع إليه سبيلا * } و حج خانه خدا بر مردم و کسانی که توان رسیدن به آن را داشته باشند فرض الهی است .

از رسول الله صلی الله علیه وسلم مفهوم کلمه (سبیل) و مراد (استطاعت سبیل) پرسیده شد , فرمودند : (الزاد و الراحلة - زاد و راحله) کلمه راحله کنایه از مصارف رفت و آمد سفر (هوایی , بحری , زمینی) از محل اقامت

رحمة الله عليه، مذهب امام احمد بن حنبل، رحمة الله عليه،، المغنی، ابن قدامه جلد 3) .

به ارتباط حج امکان قیاس آن به زکات در عدم ممانعت وجوب حج به سبب دین مؤجل وجود دارد، و علاوه بر آن در مذهب حنفی ذکر شده است که: شخص مدیون نباید بمنظور حج سفر کند مگر در صورتیکه دائن و یا کفیل دائن و یا هر دو بوی اجازه سفر بدهند و سفر او را خطر از بین رفتن دین و یا به ضرر دین ندانند، در آنصورت اجازه دارد که با وجود مدیون بودن به حج سفر کند و وجود دین با اجازه دائن مانع وجوب حج نمی شود (فتح القدیر، کتاب الحج جلد 2) .

اکنون در روشنی این بحث سؤال (کسیکه خانه خریده و قسط می پردازد، حج کرده می تواند ؟) قابل طرح است و میتوان پاسخ آنرا جستجو نمود: خرید خانه به اقساط طولانی در حالیکه معامله با قرض گرفته می شود و صاحب خانه مدیون است، اما این دین با دیون معجل و مؤجل در معاملات مدنی و تجارتي سابق فرق دارد، دائن در معاملات خرید منزل غالباً بانک است و بانک قبل از معامله قرض امکانات تادیه اقساط را با کریدت خریدار خانه تحقیق می کند و ازین لحاظ مطمئن می شود، و نیز مدت اقساط چنین قرضه ها به سالهای متمادی تا حدود سی سال میرسد و عواقب تأخیر اقساط و یا عدم امکان تادیه اقساط نیز در قوانین و مقررات و قرارداد های مربوط تنظیم شده است. چنین معامله قرض بیرون از چوکات مقررات و قرار داد هیچگاه مانع تصرفات حقوقی و آزادی مدنی شخص مدیون نمی شود و معقول نیست که مدیون در خلال سی سال سفر نکند و وجائب دینی و مدنی او کاملاً وابسته به همین قرضه باشد.

زکات میگردد، البته در مورد حج تأمین زاد و راحله بر علاوه احتیاجات اصلی و دیون شرط است، و در رابطه با زکات دارائی شخص باید بر علاوه احتیاجات اصلی و دیون به نصاب زکات برسد و یکسال قمری کامل بر آن سپری گردد. شرح نصاب زکات در فقه اسلامی توضیح یافته و در دارائی نقدی به اساس ارزش طلای و نقره (دینار و درهم) محاسبه می شود، دینار و درهم در آغاز اسلام در قلمرو امپراطوری های روم و فارس مدار تعامل اقتصادی بود و در ساحة اسلامی نیز اعتبار داده می شد. نصاب زکات در طلا یا دینار مساوی بیست مثقال طلا و یا بیست دینار و در نقره مساوی دو صد درهم است (وزن یک دینار = 25، 4 ضرب 20 = 85 گرام - وزن یک درهم = 97، 2 گرام ضرب 200 = 595 گرام).

زکات دارائی نقدی به همین معیار محاسبه میگردد و مقدار زکات 5، 2 فیصد بعد از رسیدن به نصاب بر علاوه احتیاجات اصلی یکساله و ادای دیون می باشد، البته نصاب زکات در مواشی و حیوانات و تولیدات زراعتی فرق میکند و شرح آن در کتب فقهی مذاهب مختلفه اسلامی وجود دارد.

قرض و دین که در حج و زکات هر دو مانع وجوب میگردد، دو نوع قرض و دین است، یکی معجل و دیگر مؤجل، نظر عمومی فقهاء در آنست که هر دو نوع قرض و دین مانع زکات و حج می باشد و تا وقتی که شخص دین فوری یا مهلت دار خود را ادا نکرده باشد و لو در زکات بالاتر از نصاب و در حج بالاتر از زاد و راحله داشته باشد زکات و حج بروی فرض نیست.

اما برخی از فقهاء میان دین معجل و مؤجل فرق می گذارند و دین مؤجل را به قیاس مهر مؤجل در عقد نکاح مانع زکات نمیدانند (یکی از دو نظر امام شافعی،

زکات و نه حج هیچکدام بروی فرض نیست، اما اگر این مبلغ با عوائد دیگری که شخص از طریق کار و غیره دارد از سطح ضرورت و احتیاج اصلی و فامیلی او اضافه تر گردد، در صورتیکه مبلغ اضافی به نصاب زکات برسد و یکسال بر آن بگذرد و یا مبلغ اضافی زائد از احتیاج، زاد و راحله حج را به آسانی تأمین نماید در اینصورت هم زکات و هم حج لازم میگردد.

3 - شخصی که یک مقدار پول دارد و کار کرده نمیتواند و از پول خود حاصل نمی گیرد، زکات بدهد یا خیر؟

شخصی که یک اندازه پول دارد (البته باید حلال باشد چه در پول حرام زکات نیست) در حالیکه در شرائط زکات خصوصیت افزایش اموال در نظر گرفته شده و اگر مال قابلیت افزایش را داشته باشد و لوکه عملاً افزودی نیابد شامل اموال زکات میگردد، اما مقدار پول باید دیده شود که بچه اندازه است. آیا در سطح تکافوی زندگانی اقتصادی یکساله شخص و فامیل او است یا بالاتر از آن، هر گاه در حدود ضروریات و احتیاجات یکساله باشد و بالاتر از آن تا حد نصاب اضافه نگردد، در آنصورت زکات واجب نمیشود، اما این مقدار پول بحدی باشد که تمام ضرورت یکساله را تکافو کند و مقدار اضافی به نصاب زکات برسد و یکسال هم بدون احتیاج بر آن بگذرد، در آنصورت زکات لازم می گردد.

یا داشت: از آنجا که این مطالعات فقهی در چوکات فقه و وقائع معاصر، در روشنی قواعد و اهداف فقهی اسلامی صورت می گیرد و مثال های این وقائع معاصر در ذخائر فقهی گذشته ذکر نشده است، امید

شخص که خانه خریده و قسط می پردازد به ارتباط زکات، اقساط یکساله این قرضه ضم احتیاجات و ضرورت های اساسی سالانه او شده و مقدار نصاب زکات بر علاوه این اقساط محاسبه میگردد، و چون زکات دارائی نقدی یک وجبیه دینی سالانه است اقساط یک سال از استحقاق زکات خارج شده و در متباقی دارائی اضافی در صورت رسیدن به نصاب و گذشتن یک سال زکات میدهد.

به ارتباط حج شخص مدیون به قرضه خانه می تواند اقساط مربوط به مدت رفت و آمد سفر حج و تنظیم امور مالی و اقتصادی خود را قبل از تأمین زاد و راحله حج ضم احتیاجات اصلی و ضرورت های اقتصادی خود بسازد، و هرگاه بر علاوه آن، زاد و راحله (مصارف حج) میسر گردد و سفر حج موجب تأخیر اقساط و اخلاص ضرورت های اقتصادی در همان مدت حج و در خلال همان سال معین نگردد، شخص می تواند فریضه حج را ادا نماید و چنانکه در مورد زکات گفته شد تادیه این اقساط نباید تا مدت سی سال یا کمتر و زیادتیر مانع سفر و وجائب دینی و مدنی شخص گردد.

2 - از پول کمکی که ماهانه شخص می گیرد حج می تواند؟

پول کمکی که به صورت ماهانه مطابق قوانین توزیع میگردد مانند معاش تقاعدی و برخی از امتیازات مادی، از قبیل (کمک از مؤسسات اجتماعی دولتی) بعد از قبض آن توسط شخص در ملکیت او داخل می شود و مالک صلاحیت تصرف کامل را در آن میابد (در صورتیکه کمک مشروع و مطابق استحقاق بدست آمده باشد و مال حرام گفته نشود)، اگر این مبلغ متناسب به احتیاجات اساسی شخص و فامیل او باشد و فقط زندگانی اقتصادی او را تکافو نماید در آنصورت نه

که دانشمندان و مجامع فقهی تحقیقات بیشتر نمایند و احکام روشنی در مسائل معاصر صادر گردد.

و من الله التوفيق

عبد الستار سیرت

حکم سفر زن به حج بدون محرم

اول: دکتر یوسف القرضاوی جواب میدهد:

نوت: این موضوع بحث طویل است که ترجمه آن صفحات متعدد را می خواهد لذا به نقاط اساسی و ضروری آن اشاره می شود.

روایات زیادی است که زن بدون محرم سفر نکند حتی اگر سفر حج و یا عمره نیز باشد.

اساس این حکم سوء ظن نسبت به زنان نیست بلکه برای حفاظت و حمایت شان و حفظ کرامت شان از دست مجرمین می باشد خصوصا در زمانی که در آن امن و امان نباشد.

لیکن حکم اینکه اگر زن محرم در سفر مشروع (واجب، مستحب و مباح) نیافت چیست؟ و اگر بعضی مردان خوب و با اطمینان و یا زنان با موثق (با اطمینان) و یا اینکه راه با امن باشد حکم آن چیست؟

فقها این موضوع یعنی سفر زنان را در واجب بودن حج بالای زنان با اینکه رسول الله صلی الله علیه وسلم سفر زن را بدون از محرم منع نموده است بحث نموده اند و به نظریات مختلف رسیده اند که عبارت است:

1- بعضی از فقها به ظاهر حدیث منع سفر بدون محرم تمسک نموده رفتن به حج فرض را داخل همین حکم میدانند.

2- بعضی نظر دارند که زن سالخورده از این منع استثناء است چنانکه القاضی ابی الولید الباجی و ابن دقیق العید ذکر نموده اند

3- بعضی به این نظر اند که اگر راه امن باشد مانع در سفر نیست و همین حکم را شیخ الاسلام ابن تیمیه گرفته و به آن حکم نموده است چنانکه ابن مفلح در (الفروع) آورده است که: هر زن در صورت امن، حج کند بدون محرم. الکرابیسی ذکر میکند که (زن بدون محرم) در هر سفر غیر از واجب مانند زیارت و تجارت (رفته می تواند).

امام احمد می گوید که محرم شرط رفتن به حج نیست زیرا زنان با یک گروپ از زنان یکجا سفر میکنند. ابن سیرین می گوید: با هر مسلمان که سفر کند مانع نیست.

الاوزاعی می گوید: با قوم که عادل باشند امام مالک می گوید: با جماعت از زنان. شافعی می گوید: با زنان با ثقه آزاد، و تنها اگر راه با امن باشد.

دوم: حکم رفتن زن به حج بدون محرم:

دارالافتاء مصر این فتوا را میدهد:

موجود بودن محرم و یا شوهر برای امنیت زن در سفر است و با این هم جمهور علما اتفاق دارند که برای آسانی سفر حج برای زن اگر همراهان در سفر باشند و شوهر و محرم نباشد در سفر به حج مانع نیست. فقهای مذهب حنفی موجود بودن محرم و شوهر را به سفر حج حتمی و ضروری میدانند و در رأی خود سن و سال زن را شرط نمی دانند و واجب شدن حج را برای زن موجود بودن محرم و یا شوهر میدانند که در

پیشنهاد صندوق عمره و حج را کرده اند تا پول عمره و حج نفل در صندوق جمع آوری شده برای بهبود وضعیت اقتصادی مسلمانان فقیر مصرف شود. متأسفانه مؤسسات تجارتي و حکومت عربستان سعودی مسلمانان را تشویق به حج دوم، سوم و هر سال عمره می کنند. این جهات از حج تجارت ساخته اند و اموال مسلمانان را بسرقت می برند. در شریعت اسلامی حج یکبار در حالت استطاعت فرض شده است.

حکم عده زن بعد از وفات شوهرش

شیخ مصطفی الزرقا در موضوع سؤال عده جواب میدهد

سؤال: آیا زنیکه شوهرش وفات نموده و در مدت عدت خود است با مرد های غیر محرم سخن بزند و برای کارهای ضروری خود از منزل بیرون شود؟

جواب: عدتی را که اسلام برای زنیکه شوهرش وفات نموده واجب ساخته سه شرط دارد.

اول: خارج نشدن از منزل شوهر، حتی برای دید و بازدید کوتاه و خریدن مگر اینکه یک ضرورت شرعی باشد مثل (معالجه مریضی، خریدن اشیای ضروری اگر کسی نباشد که برای زن بیاورد مثل مواد غذایی و باید بعد از خریدن فوراً بخانه برگردد. و عدت زن در وفات شوهرش چهار ماه و ده روز میباشد و اگر حامله باشد تا وضع حمل آن.

دوم: ازدواج نکردن و نامزاد نشدن به صورت آشکار در مدت و دوران عدت.

سوم: آرایش یعنی مکیاج و نه پوشیدن لباسهایی که زنان برای زینت خود می پوشند.

حالت عدم موجود بودن محرم و یا شوهر حج را برای زنان واجب نمیدانند.

مگر من (مفتی مصر) به رأی جمهور علما برای زن سفر حج را اگر همسفران با امن باشند بدون محرم و شوهر جواز میدانم و اگر زن در هر سن و سال باشد که این سفر با امنیت در قافله های حج و کاروانهای حج مسیر و امکان پذیر می باشد.

اگر زن در وقت حج مریض شود (نفاس و حیض)

مفتی مصر جواب میدهد

حیض و نفاس را خداوند در زنان گذاشته است لذا زنان را نسبت به حیض و نفاس که برای شان پیش میشود احکام خاص را بخود دارند.

زن اگر در وقت حج مریض میشود تمام مناسک حج را اداء کند مثل احرام، ایستاده شدن در عرفات و جمرات (شیطان زدن) و دیگر ارکان را در حالیکه حیض دارد فقط به طواف خانه کعبه نرود زیرا طوف خانه شرط آن طهارت است.

زن اگر قبل طواف افاضه مریض شد و نمیتوانست تا ختم حیض در مکه مکرمه باقی بماند شخص دیگر را از طرف خود برای طواف وکیل بگیرد و وکیل باید اول از طرف خود طواف کند و بعداً از طرف کسیکه ویرا وکیل گرفته است و یا اینکه دوای قطع خونریزی را بگیرد و غسل کند و طواف نماید.

قابل یاد آوری است که علماء بصورت جمعی فتوا داده اند اگر شخص یکبار حج رفته لازم نیست برای حج نفل و یا عمره سفر کند. مصارف حج دوم و عمره از مصلحت است تا برای بهبود وضعیت اقتصادی مسلمانان مصرف شود. همچنان اتحادیه بین المللی علمای اسلام

داشتند. بعضی به این نظر بودند که بعد از وفات شوهر زن نیز وفات کند و زن متوفی را آتش میزدند.

بعضی زن را بعد از وفات شوهرش از ازدواج با شخص دیگر کاملاً منع میکردند اگر چه به سن جوانی نیز می بود و حتی اگر یک روز با شوهر خود زندگی میکرد.

عرب ها قبل از اسلام و در زمان جاهلیت رسم و رواجهای میراثی در موضوع معامله با زنیکه شوهرش وفات میکرد داشتند که می توان به نقاط ذیل خلاصه نمود:

- امام بخاری و أبو داود و نسائی از عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت میکنند که فرمود:

زمانیکه مرد (شوهر) وفات میکرد ورثه یا اولیاء وی بالای زنش حق کامل را میداشتند اگر میخواستند با وی ازدواج میکردند و اگر میخواستند به هر کس که بخواهند ویرا به ازدواج میدادند و یا اینکه برایش میگفتند که در منزل شوهر خود باشد و ازدواج کرده نمیتواند، و ایشان یعنی ورثه و اولیاء صاحب حق بودند.

ابن ابی حاتم از زید بن أسلم روایت میکند که: مردم یثرب (مدینه) عادت داشتند که اگر مردی وفات میکرد ورثه اش مالش و زنش را نیز به میراث میبردند اگر میخواستند با وی ازدواج میکردند و یا ویرا به ازدواج کسی در می آوردند.

رواجها و حالات فوق الذکر را قرآن کریم اینطور بیان می کند:

برای زن اجازه نیست که لباس سیاه که خاص برای فاتحه شده زیاده تر از سه روز بپوشد و میتواند لباس به هر رنگ که باشد بپوشد.

حمام کردن و مراعات نظافت در دین اسلام برای زنی که در عدت است مانعی ندارد و دین اسلام نظافت ظاهری و باطنی را امر میکند.

دیدن و حرف زدن با مردان غیر محرم ارتباط به عدت ندارد. زن با لباس با حشمت و شرعی بدون خلوت (یعنی تنها بودن در یک اطاق) میتواند با مردان غیر محرم حرف بزند و مشکل خود را حل و فصل کند. کسانی که برای زن محرم اند مثل برادر و برادرزاده در وقت عدت و غیر آن حق دارند با زنی که شوهرش وفات نموده زندگانی عادی را داشته باشند و مردم بیگانه به روی و دست تاکف و هر دو پای زن چه در وقت عدت و چه در غیر آن می توانند ببینند.

هر آنچه برای یک زن مسلمان در وقت غیر عدت با مردان بیگانه و غیر محرم منع است در وقت عدت نیز منع است.

امروز کسانی زن را از دیدن به آئینه و روشن کردن چراغ منع میکنند و میگویند که نصف فرش خانه را بلند داشته باشد (قطع کند) و با مردان نامحرم سخن نزند و اگر کسی دروازه را بکوبد با ایشان اگر مرد باشند حرف نزند، این سخنان همه خرافات است و نباید در دین اضافت شود یا دین معرفی گردد.

دکتور یوسف القرضاوی در مورد عده جواب میدهد:

ملتها در گذشته در مورد معامله با زنی که شوهرش وفات نموده باشد و در دوران عده است نظرات متفاوت

ترجمه: (ای مؤمنان، برای شما روانیست که زنان را به اکراه و جبر بمیراث بگیریید و نه آنها را تحت فشار قرار دهید تا قسمتی از آنچه را که به ایشان مهر داده اید باز ستانید مگر در صورتیکه آشکارا مرتکب عمل فحشاء شده باشند، و با زنان روش پسندیده داشته باشید، و اگر از آنها کراهت داشتید « تحمل کنید و با عجله تصمیم جدائی نگیریید » چه بسا از چیزی بدتان بیاید و خداوند در آن خیر زیادی گذاشته باشد ({النساء: 19}) . (ترجمه از استاد سیرت) .

- زن بعد از وفات شوهرش حق میراث را از مال شوهر نداشت و حتی از حق نفقه و آنچه ضرورت داشت محروم بود و نظر به عرف عرب اگر شوهرش وفات میکرد زن در میراث او حق نداشت .

این حالت به همین منوال دوام داشت تا اینکه شوهر کبیشه بنت معن بن عاصم وفات نمود . بعد از وفات وی نظر به اینکه از میراث محروم شده بود به نزد رسول اکرم صلی الله علیه وسلم آمد و گفت : یا رسول الله، من از شوهرم میراث نگرفتم و نه برایم اجازه داده شد که ازدواج کنم ! در این وقت آیه مبارکه قبل آورده شد نازل شد .

ابن کثیر میگوید که این آیه تمام آنچه را مردم در جاهلیت میکردند شامل است و قرآن برای زن ربع سرمایه (چهارم حصه مال) شوهر را اگر اولاد نداشته باشد و هشتم حصه را اگر اولاد داشته باشد تعیین نمود .

در عصر جاهلیت زن را بعد از وفات شوهرش امر میکردند که در اطاق بسیار خراب اقامت کند و لباس های زشت بپوشد و عطر استعمال نکند و تا یک سال زینت نکند .

محدود دیتهای زنی که شوهرش وفات کند :

اسلام تمام ظلمی که از طرف اقارب زن و وابستگان شوهرش و جامعه بالای وی تحمیل می شد بر طرف کرد . و سه امر را بروی واجب ساخت که عبارت است از: (اعتداد، احداد و درخانه باقی ماندن) .

اول : اعتداد : اعتداد یعنی انتظار کشیدن مدت چهار ماه و ده روز برای ازدواج بار دوم مگر اینکه حامله باشد و اگر حامله بود تا وقت ولادت طفل باید انتظار کشید .

دوم : حداد : منع از زینت و آرایش یعنی آن زینتی که زن برای شوهر خود میکند و پوشیدن لباسهایی که موجب جلب نظر مردها شود .

دلیل این حکم در صحیح بخاری و صحیح مسلم از قول أم حبیبه و زینب بنت جحش امهات مؤمنین رضی الله عنهما است که گفتند رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود : (لا یحل لامرأه تؤمن بالله و الیوم الآخر أن تحد علی میت فوق ثلاث « ای ثلاث لیال » إلا علی زوج أربعه أشهر و عشره) حلال نیست برای کسیکه به خدا و روز آخرت ایمان دارد زیادتر از سه روز بر میت سوگواری کند مگر در مرگ شوهر که چهار ماه و ده روز .

قبل از اسلام در عهد جاهلیت یک سال حداد یا سوگواری بود .

و به همین معنی حدیثی است که أم سلمه رضی الله عنها و أم عطیه رضی الله عنها از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده اند .

مستقیم شخص صالح و مسلمان می تواند نیت خود را از ازدواج واضح سازد و زن نیز میتواند غیر مستقیم در قلب خود تصمیم بگیرد.

آنچه ممنوع است صراحت داشتن در خواستگاری است. و قتیکه مدت عدت سپری شد، زن آزاد است اگر میخواهد ازدواج نماید و اجازه دارد از منزل خارج شود و هر نوع لباس که بخواهد میتواند بپوشد و زینت نماید، و هر کسیکه بخواهد میتواند با وی نامزد شود و نکاح کند. خداوند سبحان می فرماید:

و کسانی که از جمله شما بمیرند و زنانی از خود بجا گذارند آن زنان تا مدت چهار ماه و ده روز از شوهر نمودن خود داری کنند پس از انقضای این مدت بر شما گناهی نیست در آنچه که ایشان راجع به نفس خود بوجه پسندیده (در چوکات شرعی) تصمیم میگیرند، و خداوند بهمه کردارتان آگاه است. بقره: 234. (ترجمه از استاد سیرت).

رسم و روجهای که در بعضی کشورها است بغیر آنچه ذکر شد در شریعت اصل ندارد.

دعوت عمومی

هموطنان گرامی از شما دعوت می نمائیم تا انجمن نشرات فقه اسلامی را تقویت مادی و معنوی نماید. اشتراک شما در راه نشر ثقافت اسلامی وظیفه دینی و اخلاقی میباشد.

آدرس فقه اسلامی

Mogaddedi Fazl Ghani
201 Washington Blvd # 104
Fremont, ca 94539
U.S.A
Tel (510) 979 – 9489
fazlghanimogaddedi@yahoo.com
aamo-net.org

سوم: زنی که شوهرش وفات نموده باید در منزلی که شوهرش وفات نموده - منزل خود شان - باقی بماند و این حکم را فریعه بنت مالک خواهر ابو سعید الخدری از رسول اکرم صلی الله علیه وسلم روایت نموده که آنحضرت برایش بعد از وفات شوهرش فرمود که مدت عدت را در منزل شوهرش بگذراند.

باقی ماندن در منزل یعنی عدم خارج شدن یعنی چه؟

در مدت عدت زن میتواند برای معالجه، خریدن آنچه برای زندگانی ضرورت باشد و رفتن برای کاری که دارد مثل مکتب برای تدریس، اگر داکتر باشد به شفا خانه و غیره کارهای که زنها دارند از خانه بیرون رود. در این نوع خارج شدن از خانه هیچ ممانعت وجود ندارد. لیکن باید شب به خانه خود باشد زیرا خارج شدن در شب خطر دارد و به حیثیت وی لطمه می زند. زن در وقت عدت به مسجد و حج نمیرود زیرا عدت وقت معین دارد که میگذرد و حج از دست نمی رود.

امور سه گانه که در مورد عدت زن ذکر شد قرآن کریم آنرا اینطور بیان میکند:

(و باکی نیست بر شما که بخواستگاری آن زنان اشارت نمائید و یا نیت ازدواج با آنها را در دل پنهان دارید، خداوند دانا است که شما بزودی ایشانرا یاد میکنید) نیت خود را اظهار میدارد (و لیکن با آنها وعدهء پنهانی نگذارید مگر سخنی که در چوکات شرع) (به رمز و اشاره) بگوئید، و عزم عقد نکاح نه نمائید تا آنکه میعاد (عده) بسر رسد و بدانید که خداوند آنچه را در دل دارید میداند پس از او بترسید و بدانید که خداوند آمرزندهء بردبار است). (ترجمه از استاد سیرت).

این آیه مبارکه در موضوع زنانی است که شوهران شان وفات نموده است، این آیت در خطبه و طلبگاری شان نه بصورت مستقیم حرج نگذاشته است و بطور غیر